

مصاحبه با سایت ادبیات و فرهنگ

مصاحبه گر: م- ساقی
نوامبر ۲۰۰۷

۱- خانم بیضایی کمی از خودتان بگویید.

متولد سال ۱۹۶۷ هستم و بیست و دو سال پیش بناچار ایران را ترک کردم و به آلمان آمدم. در دانشگاه گوتته ی فرانکفورت تحصیل کرده ام. رشته های تحصیلی ام ادبیان آلمانی، تئاتر-سینما و تلویزیون و تعلیم و تربیت بوده و در همین رشته ها در سال ۱۹۹۴ فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفتم. در همان سال گروه تئاتر "دریچه" را بنیانگذاری کردم و از آن سال تا به امروز سیزده نمایشنامه کارگردانی کرده ام که متن بیش از نیمی از این نمایشنامه ها را خودم نوشته ام. همچنین طراحی صحنه، لباس و نور کارهایم را نیز بر عهده داشته ام. حدود بیست مطلب، کار پژوهشی و ترجمه در زمینه ی تئاتر و سینما نوشته ام که در کتاب نمایش (که تا چند سال پیش بطور مرتب در شهر کلن انتشار می یافت) چاپ شده و بیش از هشتاد مقاله و مطلب پژوهشی در زمینه ی مسئله ی زنان و مسایل سیاسی و اجتماعی نیز برشته ی تحریر در آورده ام که در نشریات و سایتهای اینترنتی به چاپ رسیده است. همچنین سه تا از نمایشنامه هایم را نشر باران در سال ۱۹۹۸ منتشر کرد و سه نمایشنامه ی دیگرم در کتاب نمایش چاپ شده است.

۲- شما با تلاشهای سیاسی و هنری تان، چه هدفی را دنبال می کنید؟

کار هنری و بطور مشخص تئاتر برای من در وهله ی اول وسیله ای است که از طریق آن با پیچیدگیهای جهان پیرامونم، جامعه و محور اصلی همه ی اینها یعنی انسان روبرو می شوم. بعنوان یک انسان در جهانی که زندگی می کنم و با توجه به روند پرشتابی که طی می کند، حس می کنم که این شتابها و گذارها فرصت تامل و درنگ، مهلت پرسش و هضم و حتی امکان زیست انسانی از من گرفته شده است. در تئاتر تلاش می کنم تا این فرصت دوباره ایجاد شود که به خود و به اطراف خود با تعمق بنگریم، تفاوتها و تضادها را ببینیم، اما از آنها بی تفاوت نگذریم، انسانها را بعنوان فرد ببینیم و حضور و حرمت آنها را نادیده نگیریم. همچنین روبرو شدن با پیشداوریها و قضاوتهای شتابزده، تعصب و هر آنچه باعث می شود انسانهایی به حاشیه ی حیات اجتماعی رانده شوند، قدرت و اعمال قدرت جمع بر فرد ... اینها همه دغدغه های فکری و هنری من در تئاتر هستند.

در زمینه ی سیاست، من خود را "فعال سیاسی" نمی دانم. بدین معنا که کار در یک تشکیلات سیاسی خاص را کار خود نمی دانم. هر چند که برای تمام کسانی که برای ایجاد تشکل و فعالیت گروهی برای آزادی و دموکراسی تلاش می کنند، احترام قائلم. اما بعنوان یک انسان نسبت به آنچه در پیرامونم می گذرد، نمی توانم بی تفاوت باشم. بخصوص که شرایط خاص ایران و درگیری بخش مدرن جامعه ی ایران با یکی از خطرناکترین حکومتهای استبدادی و تمامیت خواه یعنی حکومت اسلامی، خواه نا خواه در من این حس مسئولیت را ایجاد می کند که به سهم خودم صدایم را برای تحول، برای آزادی و برای برقراری دموکراسی در ایران بلند کنم و در نوشته هایم عواقب حاکمیت قرون وسطا را بر ایران و بر روح و روان ایرانی را مورد بررسی قرار دهم. ناهنجاریها و گسستهای پیاپی که در نتیجه ی سی سال حاکمیت اسلام گرایان و نگاه بغایت غیرانسانی، سنت گرا و تبعیض گر این حکومت در جامعه ی ایران به اوج رسیده، می تواند به اضمحلال و انحطاط فرهنگ و تمدن ایرانی بینجامد. چگونه می شود چنین وضعیتی را دید و سخن نگفت.

۳- چه کس و یا کسانی مشوق شما در کارهای هنری تان بوده اند؟

بطور مستقیم، هیچ کس. همانطور که می دانید من در یک خانواده ی هنری دنیا آمده و رشد کرده ام. هم خانواده ی پدری ام و هم خانواده ی مادری ام با ادبیات، تئاتر و سینما بطور حرفه ای در ارتباط بوده و هست. در حقیقت کتاب، فیلم و تئاتر جزئی از زندگی من بوده است. اما هیچ کس بطور مستقیم من را تشویق نکرده که به این عرصه پا بگذارم. علت اصلی اش هم این است که از کودکی خانواده ام برای رای، نظر و تصمیم من احترام قائل بوده و نخواستند تمایلات خود را به من تحمیل کند. در عین حال فکر می کنم بدلیل نبود امنیت شغلی و مصایب بیشمار این حرفه، بطور غیر مستقیم حتی خواسته اند مرا در برابر ابتلاء به آن حفاظت کنند. با اینهمه همانطور که در جای دیگری نیز گفته ام اهل هنر و قلم در خانواده ام بطور غیر مستقیم بر من تاثیر گذاشته اند. این بخت را داشته ام که با بودن در پشت صحنه ی کارهایشان، بادیکن مراحلی که تا خلق اثر هنری طی می شود، جذابیت و جادوی این حرفه را چون رازی ناگشودنی در خود درونی کنم.

۴- هنرمند به چه کسی گفته می شود؟

به باور من هنرمند کسی است که خلق و آفرینش هنری جزء جدایی ناپذیر، مداوم و بی وقفه ی زندگی و افکارش است. در عین حال کسی است که استعداد هنری خود را با گسترش دانش و تجربه که امری همیشگی است و تا هنگام مرگ ادامه دارد، پرورش داده و می دهد... کسی است که تولید می کند، می سازد، به چالش می کشد و به چالش کشیده می شود تا چیزی بر زیبایی جهان و مفهوم زندگی بیفزاید، حتی اگر از زشتیها بگوید و کوچکترین اثری از زیبایی در جهان اثرش نباشد.

۵- یک کارگردان تاتردر چه شرایطی می تواند بهترین کار هنری خود را به جامعه پیشکش کند؟

در این مورد نمی توان حکم صادر کرد. اما چون مشخصا در مورد کارگردانی تئاتر سوال کرده اید، باید به این نکته اشاره کنم که کار تئاتر به شرایط بیشماری از بازیگر خوب تا عوامل حرفه ای کار و بودجه ی کافی و مهمتر از همه (و در اینجا به شاخه های دیگر هنری نزدیک است) به آزادی و امنیت شغلی نیاز دارد، مسلم است که در شرایطی که امکان شکوفایی اثر وجود داشته باشد، می تواند کار بهتری ارائه دهد. با اینهمه نمی توان نادیده گرفت که حتی در بدترین شرایط نیز وقتی استعداد، ایده ی درخشان، توانایی آفرینش و دید وسیع و جدیت و پشتکار وجود داشته باشد، می توان از هیچ همه چیز ساخت.

۶- تاتر و سینما، چه تفاوت هایی با یکدیگر دارند؟

تئاتر هنر مادر است. مادر سینماست. هنر ایجاد لحظه های فراموش نشدنی است که نفس به نفس با تماشاگر با مخاطب روبرو می شود. ارتباط تئاتر با مخاطب یک ارتباط بی واسطه است. تئاتر روتوش بردار نیست. تئاتر هنر دقت در جزئیات و ساختن در لحظه است. تئاتر در نتیجه ی تمرینهای طولانی و فشرده ساخته می شود و می بالد، اما ممکن است در لحظه ی اجرا در اثر یک لغزش جزئی تمام اثر خود را از دست بدهد. تئاتر به نیروی انسانی وابسته است. با انسان دنیا می آید و با انسان می میرد. سینما ترکیبی از ایده ی هنری، نیروی انسانی و تکنیک است که در آن تکنیک سهم عمده تری دارد. برای همین و بیشتر بعنوان یک صنعت از آن نام برده می شود. مخاطب سینما بسیار گسترده تر از مخاطب تئاتر است. در سینما می شود یک پلان را بارها تکرار کرد و بهترین را برگزید، می توان بارها اشتباه کرد و آن را تصحیح کرد. شما یک فیلم را می توانید بارها ببینید، اما فیلم تغییر نمی کند. ممکن است

تحلیل و درک ما از آن تغییر کند ، اما نوع ارائه ی موضوع فیلم تغییر ناپذیر است. فیلم از زمانیکه پخش می شود، یک اثر تمام شده و کامل است . در تئاتر، هر اجرا با اجرا دیگر متفاوت است. تئاتر در طول اجراها پخته می شود، جا می افتد، بر اساس بده بستان میان صحنه و تماشاگر حتی تغییر داده می شود. سینما با دوحس بینایی و شنوایی ما ارتباط برقرار می کند در حالیکه تئاتر حداقل با چهار حس بینایی، شنوایی، لامسه و بویایی در ارتباط است. در تئاتر بوی دود، بوی سیگار، ارزش زمین در هنگام پریدن . همه ی اینها با تماشاگر است. در فیلم بازی بازیگر بدون حضور و تاثیر تماشاگر و تنها در ارتباط با دوربین انجام می شود و برای همین قابل تکرار است. در فیلم شما در بسیاری لحظات تمام جزئیات انسان و حرکات او را نمی بینید. مثلا در نمای نزدیک، شما صورت بازیگر را می بینید، اما دستهایش را نمی بینید. در تئاتر شما انسان را با تمام اجزاء فیزیکی، روحی و حسی اش می بینید. به هر حال بدون اینکه قصد ارزش گذاری باشد، باید بگویم که برای من تئاتر جذابیت های بیشتری دارد.

۷- آیا مایل نبودید بجای یک هنرمند تاتر، یک سیاستگر تاثیر گذار بودید. چرا؟

خیر، اصولا روحیه ی من با سیاسی کاری آنهم از نوع ایرانی اش سازگاری ندارد. اما کار هنری من بهیچوجه نسبت به سیاست بی تفاوت نیست.

۸- پول و سرمایه، در موفقیت های هنری چه نقشی بازی می کنند؟

بدون پول و بودجه ی مناسب نمی توان از عوامل کار حرفه ای استفاده کرد و این به کیفیت کار هنری لطمه می زند. بدون داشتن کس یا کسانی که کار تبلیغات و ارتباط با مطبوعات را انجام دهند، اثر هنری امکان عرضه شدن و دیده شدن پیدا نمی کند. اصولا خود ما هنرمندان فروشندهگان خوبی برای آثارمان نیستیم . تبلیغات تاثیر بسیار زیادی دارد که بدون داشتن امکانات مالی ممکن نیست.

۹- به عنوان یک کارگردان، آینده تاتر ایران را چگونه می بینید؟

یک نسل جدید تئاتری بوجود آمده که ایده های خوب دارد اما در شرایط خفقان امکان رشد آزادانه ی هنری را ندارد. استعداد های ما پیش از اینکه شکفته شود در نطفه حفه می شود. آینده ی تئاتر از آینده ی کل ایران جدا نیست. بهمین دلیل هنر و هنرمند نمی تواند نسبت به آنچه دارد بر کشور و مردم ایران می رود بی تفاوت باشند. یا همه با هم برای دهه ها فرو می رویم و یا اینکه موفق می شویم در همه ی عرصه ها ، از قدرت سیاسی گرفته تا نگاهمان به هنر تحول اساسی ایجاد کنیم.

۱۰- نقش هنر و هنرمند، در گسترش آزادی و مردمسالاری در کشورهای زیر ستم چیست؟

بسیار مهم و اساسی است. هنر هر دوران عصاره ی روحيات و ایده آلهای جامعه در آن دوره است. هنر همواره به عنوان یکی از اهرمهای مهم تاثیر گذار همراه با روندهای اجتماعی و سیاسی و یا در عکس العمل به آنها حرکت کرده است. سبکهای هنری غالب در هر دوران با وقایع اجتماعی و نیازهای آن دوران تطابق داشته و همواره در روندهای اجتماعی تاثیرگذار و تاثیر پذیر بوده است. از آنجا که روح هنر با مفهوم آزادی ارتباط تنگاتنگ دارد ، نقش آن در گسترش مفاهیمی چون آزادی ، رفع تبعیض و ستم بسیار حائز اهمیت است.

۱۱- چه پیشنهاد و یا پیامی به هنرمندان تاتر وسینما دارید؟

به خودشان و به مخاطبشان دروغ نگویند و برای جوهر حقیقت جوی هنر حرمت قائل باشند.